



Treatment and Rehabilitation in Iran's Legal System from the Perspective of Criminal Policy

Mohammad Baghai¹, Mahmoud Malmir^{*2}, Masoud Heidari³

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 167-180

Corresponding author Info

ORCID: 0000-0001-6183-6969

TELL: +989107030091

Email: Dr.malmir1@gmail.com

Article history:

Received: 01 Aug 2024

Revised: 15 Oct 2024

Accepted: 24 Dec 2024

Published online: 21 Mar 2025

Keywords:

Prison, Criminal Policy, Iran, Reform, Rehabilitation.

ABSTRACT

Treatment and rehabilitation is one of the important issues facing the criminal policy. The purpose of this article is to examine treatment and rehabilitation in Iran's legal system from the perspective of criminal policy. This article is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative and data collection has been used in the collection of materials and data. Correctional behavior with criminals and choosing the most suitable solutions, seeks to rebuild their personality and prevent the repetition of crimes. Reforming criminals in its various meanings is a humane approach to dealing with crime and delinquency, which is also considered in Iran's criminal policy. Therefore, the prison should be ready to provide services to the prisoners as a place of reformation and rehabilitation to return to the society and not as a dangerous place. In Iran's legal system, under the influence of transnational criminals has undergone changes from before the revolution until today, which has led to the humanization and improvement of the rights of criminals. of human rights in the direction and rehabilitating criminals, the domestic laws of the countries also underwent a tremendous transformation. Under the influence of other transnational laws, in the second generation of human rights, human dignity and respect for the rights of prisoners were placed at the top of the pyramid of the criminal justice system and caused the humanization of the view and action in line with the protection of the rights of prisoners.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Baghai, M; Malmir, M & Heidari, M (2025). "Treatment and Rehabilitation in Iran's Legal System from the Perspective of Criminal Policy". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(1): 167-180.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره پنجم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

درمان و بازپروری در نظام حقوقی ایران از منظر سیاست جنایی

محمد بقایی^۱، محمود المامیر^{۲*}، مسعود حیدری^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. دانشیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده

درمان و بازپروری یکی از مسائل مهم فراروی سیاست جنایی است. هدف مقاله حاضر بررسی درمان و بازپروری در نظام حقوقی ایران از منظر سیاست جنایی است. مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد رفتار اصلاحی با بزهکاران و گزینش مناسب‌ترین راهکارها، به دنبال بازسازی شخصیت آن‌ها و پیشگیری از تکرار جرم است. اصلاح مجرمین در معانی گوناگون خود، رویکردی انسانی در مواجهه با جرم و بزهکاری است که در سیاست جنایی ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین زندان باید به عنوان مکان اصلاح و تربیت و بازپروری برای بازگشت به جامعه و نه به عنوان مکانی پرخطر آماده ارائه خدمات به زندانیان باشد. در نظام حقوقی ایران به تأثیر از اسناد فراملی حقوق بشری موضوع اصلاح و بازپروری مجرمین از پیش از انقلاب تا به امروز دستخوش تحولاتی شده که منجر به انسانی شدن و تعالی حقوق مجرمین شده است، نتیجه این که با شکست اندیشه‌های واپس‌گرایانه که بازگشت و اصلاح و درمان مجرمین را امری ناممکن تلقی می‌کرد؛ به تأثیر از دیدگاه‌های نوین حقوق بشری در راستای اصلاح و بازپروری مجرمین قوانین داخلی کشورها نیز دچار تحولی شگرف شد. تحت تأثیر قوانین فراملی دیگر در نسل دوم حقوق بشر کرامت انسانی و احترام به حقوق زندانیان در رأس هرم نظام عدالت کیفری قرار گرفت و باعث انسانی شدن دیدگاه و عمل در راستای حمایت از حقوق زندانیان گردید.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۶۷-۱۸۰

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۶۹۶۹-۶۱۸۳-۰۰۰۱-۰۰۰۰

تلفن: ۰۹۸۹۱۰۷۰۳۰۰۹۱

ایمیل: Dr.malmir1@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

زندان، سیاست جنایی، ایران، اصلاح، بازپروری.



مقدمه

از قسمت دوم بند پنجم اصل ۱۵۶ برمی‌آید اصلاح و بازپروری بزهکاران به‌عنوان یک سیاست جنایی، مورد قبول خبرگان قانون اساسی واقع شده، اما نهادن این وظیفه برعهده قوه قضاییه اعمال این سیاست را با مشکل اجرایی مواجه می‌سازد. قوه قضاییه به‌عنوان پایگاه فرماندهی دستگاه عدالت کیفری اساساً نمی‌تواند مجری برنامه‌های اصلاحی باشد، مضافاً که اجرای این برنامه‌ها در بطن نظام کیفری اصولاً نتایج مطلوب را به بار نمی‌آورد. باید توجه داشت امروزه همه برنامه‌های اصلاحی و درمانی در اغلب نظریه‌ها باتوجه به نوع مجازات‌ها متفاوت بوده است. برخی از برنامه‌ها می‌بایست در محیط و نظام کیفری باتوجه به نوع مجازات هر فرد و در چهارچوب خاص اعمال گردد و برخی از این برنامه‌ها در خارج از محیط و نظام کیفری قابل اجرا می‌باشد. به‌عبارت دیگر فرد خارج از نظام عدالت کیفری و فرد را در بستر جامعه از طریق برنامه‌های اصلاحی و درمانی اجتماعی بازسازگاری می‌کند، نتیجتاً این که انواع برنامه‌های اصلاحی و درمانی به این ترتیب که در بستر جامعه و خارج از احکام کیفری و در بستر نظام کیفری اعمال گردد، متفاوت می‌باشد و غالب روش‌ها بر این می‌باشد که می‌بایست برای پیشگیری از جرم، برنامه‌های بالینی خارج از محیط کیفری و توسط متخصصان همچون مددکاران روان‌شناسان اعمال و اجرا گردد. درخصوص درمان و بازپروری در نظام حقوقی ایران از منظر سیاست جنایی پژوهش‌های متعددی انجام شده است: محمدعلی مهدوی ثابت، قاسم مرادی و محمد حسنون، در مقاله‌ای به بررسی اصلاح و درمان بزهکاران پرداخته‌اند (مهدوی ثابت و همکاران، ۱۳۹۷). اصغر بلارک، حسین غلامی و محمدعلی بابائی نیز در مقاله‌ای، چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اصلاح و درمان را بررسی کرده‌اند (بلارک و همکاران، ۱۳۹۷). علیرضا صالحی، محمدعلی شیخ موحد و یاسر شاکری نیز در مقاله‌ای، سیاست های اصلاح و درمان فرهنگ‌محور در زندان‌های ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۷). محمدعلی حاجی ده‌آبادی، در مقاله‌ای، رویکرد قرآن به اصلاح و تربیت مجرمان را بررسی کرده است (حاجی ده‌آبادی، ۱۴۰۱). محمد آشوری، محمدعلی اردبیلی، محمدعلی مهدوی ثابت و سلمان

کونانی، در مقاله‌ای به شناخت و تعریفی مبتنی بر بینش جرم‌شناسانه از اصلاح و درمان محکومان زندانی پرداخته است (آشوری و همکاران، ۱۳۹۷). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده این است که هدف این مقاله بررسی درمان و بازپروری در نظام حقوقی ایران از منظر سیاست جنایی است. بر این اساس، سؤال مقاله بدین‌شکل قابل طرح است که از منظر سیاست جنایی، درمان و بازپروری مجرمین در نظام حقوقی ایران چگونه است؟ فرضیه مقاله نیز عبارت است از این که «در سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی ایران به اصلاح و بازپروری مجرمین پرداخته شده است.» به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا اصلاح و درمان از منظر سیاست جنایی تقنینی بررسی شده، سپس به بررسی اصلاح و درمان از منظر سیاست جنایی قضایی و سیاست جنایی اجرایی پرداخته شده است.

۱- اصلاح و درمان از منظر سیاست جنایی تقنینی

نویسندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بند ۵ اصل ۱۵۶ و تدوین‌کنندگان مقررات تقنینی و فروتقنینی به پیروی از آن، بازپروری بزهکاران را جزء اهداف و وظایف دستگاه قضایی و اجرایی پیش‌بینی نموده‌اند. در این قسمت به بررسی اصلاح و درمان از منظر سیاست جنایی تقنینی پرداخته می‌شود.

۱-۱- اصلاح و درمان در آیین‌نامه اجرایی سازمان کانون اصلاح و تربیت

آیین‌نامه اجرایی سازمان کانون اصلاح و تربیت، مصوب ۱۳۴۷/۰۷/۰۹ و دارای ۴۰ ماده می‌باشد. طبق ماده ۵ این آیین‌نامه «در قسمت اصلاح و تربیت اطفالی نگهداری خواهند شد که از طرف دادگاه به‌موجب بند ۲ ماده ۱۷ اعزام شده و یا به‌موجب ماده ۲۶ قانون ۱۳۳۸ دستور مجدد انتقال آن‌ها به قسمت اصلاح و تربیت داده شده باشد» که بند ۲ ماده ۱۷ می‌گوید: «اعزام به کانون اصلاح و تربیت به‌منظور تأدیب و تربیت برای مدت از ۱ ماه تا ۶ ماه در مواردی که به‌جهتی از جهات ولی یا سرپرست صلاحیت ندارد و یا الزام اولیه تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل ممکن نباشد» و ماده ۲۶ مقرر داشته که «در مواردی که رفتار و اخلاق طفل موجب فساد اخلاق اطفال دیگر می‌شود، طفل مزبور به دستور دادگاه اطفال به قسمت زندان انتقال خواهد یافت و پس از اصلاح اخلاق و رفتارش دادگاه مجدداً دستور

کارآموزی، اشتغال، ازدواج، ادامه تحصیل، تأمین مسکن، اعطای تسهیلات وام بانکی و نظایر آن برای مددجویان، ارائه خدمات به مددجویان در امور آموزش، بهداشت و درمان، اجتماعی و حقوقی، فرهنگی و مذهبی، نظارت بر رفتار مددجویان در مراحل اولیه آزادی و ارتقای سطح دانش و فرهنگ، تربیت و اعتقادات مذهبی آنان از طریق برقراری اردوهای مناسب، جذب کمک‌های مردمی و انجمن‌ها و مؤسسات خیریه به منظور مساعدت در وضع مددجویان و خانواده آنان، استفاده از پزشکان، مددکاران اجتماعی، مربیان اصلاح و تربیت، صاحبان تخصص و حرف و امثال آن، تأسیس صندوق حمایت از مددجویان که اساسنامه آن توسط دفتر قوانین است» (بلاک و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۰-۷۱).

۱-۳- اصلاح و درمان در آیین‌نامه اجرایی مددکاری اجتماعی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

این آیین‌نامه مصوب ۱۳۷۹/۰۶/۲۶ رییس قوه قضاییه می‌باشد و دارای ۱۰ ماده می‌باشد. مطابق ماده ۱ این آیین‌نامه: «مددکاری عبارت است از: تلاش درجهت فراهم‌نمودن زمینه هدایت معنوی و مادی مددجو و شناخت توانایی‌ها و مشکلات مددجو سعی در بهره‌ورنمودن استعدادها و چاره‌جویی نارسایی‌ها و مشکلات روانی، اجتماعی و اقتصادی مددجو تلاش درجهت تطبیق مقتضیات اجتماعی با شرایط فردی مددجو فراهم‌آوردن شرایط پذیرش اجتماعی مددجو و سازگاری اجتماعی وی.» «در این آیین‌نامه به کلیه افرادی که براساس تصمیم مراجع ذیصلاح قانونی در زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها، کانون‌های اصلاح و تربیت و مراکز اقدامات تأمینی و مؤسسات وابسته به سازمان زندان‌ها نگهداری می‌شوند و نیز محکومان آزادشده‌ای که به مراکز مراقبت بعد از خروج معرفی شده‌اند و حسب اعلام خود آنان یا مدیران واحدهای ذی‌ربط سازمان زندان‌ها، نیاز به رسیدگی و مساعدت یا مراقبت دارند و خانواده‌های افراد مذکور و کلیه خانواده‌هایی که تحت حمایت انجمن‌های حمایت از زندانیان قرار می‌گیرند و نیاز آن به خدمات مددکاری به‌وسیله مدیران انجمن‌ها اعلام می‌شوند، مددجو اطلاق می‌شود» (بهمنی فخر، ۱۳۹۹: ۱۵۴-۱۳۳).

انتقال او را به قسمت اصلاح و تربیت برای بقیه مدت خواهد داد.» در قسمت زندان اطفالی نگهداری می‌شوند که بیش از ۱۲ سال تمام و تا ۱۸ سال تمام دارند و از ۶ ماه تا ۵ سال حبس دارند، نحوی اجرا شود که حتی‌الامکان خللی به تحصیلات عادی اطفال وارد نیاید.

ماده ۸ این آیین‌نامه مقرر داشته است که: «تربیت نگهداری اطفال در قسمت زندان از لحاظ صرف غذا، خواب، تعلیمات اخلاقی و حرفه‌ای به‌طوری است که در قسمت اصلاح و تربیت به‌عمل می‌آید، ولی مدیر کانون می‌تواند برحسب روحیه اطفال و نوع بزه ارتكابی آنان و از لحاظ صرف غذا یا خواب یا تعلیمات اخلاقی و حرفه‌ای و اجرا تدابیر تربیتی و تهذیبی به دسته‌هایی تقسیم نموده و معاشرت هر دسته را با دسته دیگر ممنوع بدارد و اطفالی که به کانون اعزام می‌شوند موظف هستند که طبق برنامه کانون در هفته ۳۶ ساعت در کلاس‌های درسی یا در کارگاه‌های فنی و حرفه‌ای به تحصیل یا کارآموزی اشتغال داشته باشند و روزی یک ساعت ورزش نمایند» (صادقی، ۱۳۹۹: ۱۷۹-۱۶۳).

ماده ۲۵ آیین‌نامه برای اطفالی که مقررات کانون را نقض کنند تصمیمات انضباطی در نظر گرفته که شامل «سرزنش و نصیحت، توبیخ، محرومیت از ملاقات تا ۱۵ روز، محرومیت از مکاتبه، محرومیت از خرید از ۵ روز تا یک‌ماه، محرومیت از حضور در سینما و تالار سخنرانی، نگاهداری انفرادی از یک تا ۱۵ روز و تقاضای تجدیدنظر در حکم از دادگاه اطفال» می‌باشد. درخصوص ملاقات اطفال فقط والدین، خویشان نزدیک، سرپرست قانونی و وکلای اطفال پس از ارائه مدرک شناسایی حق ملاقات دارند.

۱-۲- اصلاح و درمان در آیین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج آیین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج مصوب ۱۳۷۸/۰۲/۱۳ رییس قوه قضاییه و دارای ۱۱ ماده می‌باشد. طبق ماده ۱ این آیین‌نامه: «در راستای اصلاح و تربیت زندانیان با هدف پیشگیری از وقوع جرم از طریق حمایت مادی و معنوی از زندانیان آزاد شده و فراهم‌نمودن زمینه مساعد جهت بازگشت آنان به یک زندگی سالم اجتماعی، اداره مراقبت بعد از خروج در مرکز هر استان و در صورت نیاز در شهرستان‌ها با تصویب ریاست سازمان تحت نظارت اداره کل زندان‌های استان مربوط ایجاد می‌گردد.» «اهم وظایف اداره مراقبت بعد از خروج عبارت‌اند از: ایجاد زمینه لازم جهت

به تخلفات متهمان و اتخاذ تصمیم انضباطی در مورد آنان می‌باشد» (بهمنی فخر، ۱۳۹۹: ۱۵۴-۱۳۳).

یکی از اقدامات رؤسای قوه قضاییه در زمینه حبس‌زدایی، صدور بخشنامه‌های مربوط به اعطای مرخصی زندانیان مناسبت‌های خاص بوده است، بدین معنا که افزون بر سازوکارهای عمومی اعطای مرخصی به زندانیان، سازوکار خاص مناسبتی نیز مرسوم بوده است. در دوره‌های قبلی کیفرزدایی، این موضوع به‌طور عموم، مستند به آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی بود، لکن طبق تبصره ۵ ماده ۵۲۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ این امر جنبه قانونی یافته است. در این راستا، باتوجه به آثار مثبت و سازنده حضور زندانیان در کنار خانواده و به‌منظور نیل به اهداف بازسازی اجتماعی و اخلاقی زندانیان و نیز برقراری روابط عاطفی بین زندانیان و اعضای خانواده، به زندانیان با رعایت پاره‌ای از شرایط و اخذ تأمین مناسب، به‌موجب بخشنامه در مناسبت‌های خاص مانند ایام نوروز، شب‌های قدر، عید فطر، ایام ماه محرم به محکومان به مدت ۱۵ روز مرخصی (با قابلیت تمدید ۱۵ روزه) اعطا شده است. این بخشنامه‌ها در دوره حاضر به‌طور معمول در مورد سه دسته از زندانیان شامل محکومان به حبس کیفری، محبوسان ناتوان از پرداخت جزای نقدی، مرتکبان جرایم غیرعمدی و محکومان مالی قابل اجرا بوده است و برخی از محکومان نیز از بهره‌مندی از این نوع مرخصی مستثنی شده‌اند.

اصلاح مجرمان در معانی گوناگون خود، رویکردی انسانی در مواجهه با جرم و بزهکاری است که دارای الگوهای مختلف علمی است. گذشته از این که این رویکرد، مورد تأکید سازمان ملل متحد است، اساساً متون اسلامی مشحون از آموزه‌ها و راهبردهای اصلاحی است. قانون‌گذار ایران به صراحت در اصل ۱۵۶ قانون اساسی این رویکرد را پذیرفته است. مع‌الوصف، مطالعه قوانین عادی و آیین‌نامه‌ها و مقررات موجود حکایت از عدم استفاده کافی و مناسب از راهبردها و روش‌های اصلاحی دارد.

۲- اصلاح و درمان از منظر سیاست جنایی قضایی

با به رسمیت‌شناختن نهادهای حداقل‌گرایی مانند تعویق، تعلیق تعقیب و اجرای کیفر و کوتاه‌شدن زمان استقرار بزهکاران در

۱-۴- آیین‌نامه شورای برنامه‌ریزی و مدیریت بهداشت روان و اصلاح رفتار زندانیان کشور

«این آیین‌نامه مصوب ۱۳۸۱/۰۴/۱۱ رییس قوه قضاییه می‌باشد و دارای ۸ ماده می‌باشد، براساس بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی مبنی بر اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین و ایجاد مصونیت هرچه بیشتر در شخصیت زندانیان در برابر آسیب‌پذیری‌های اخلاقی و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط زندانیان محبوس و ترخیص‌شده از زندان و به‌منظور هماهنگی هرچه بیشتر در امر برنامه‌ریزی و مدیریت بهداشت روان و روان درمانگری و برنامه‌های اصلاح رفتار زندانیان و ... شورای برنامه‌ریزی و مدیریت بهداشت روان و اصلاح رفتار زندانیان کشور با وظایف و مسؤولیت‌های خاص تحت نظر سازمان زندان‌ها تشکیل می‌گردد» (دارابی، ۱۳۹۸: ۷۵-۵۷). «ازجمله وظایف این شورا، طراحی، هدایت و نظارت بر برنامه‌ریزی‌های روان‌درمانی و اصلاح رفتار زندانیان کشور در بستر فرهنگی و ارزش‌های اسلامی، برقراری ارتباط مستمر با مراکز و سازمان‌های ذی‌ربط بین‌المللی در ارتباط با تبادل تجارت موفق در امر بازپروری زندانیان با هماهنگی و همکاری مراجع ذی‌ربط، طراحی و هدایت مستمر خدمات مشاوره‌ای و مددکاری پس از ترخیص برای زندانیان آزاد شده و خانواده‌ای ایشان، طراحی و هدایت برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای زندانیان و خانواده‌های آنان و ... می‌باشد» (صالحی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۸-۸۹).

۱-۵- آیین‌نامه اجرایی بازداشتگاه‌های موقت

«آیین‌نامه مذکور مصوب ۱۳۸۵/۰۸/۳۰ رییس قوه قضاییه می‌باشد و دارای ۱۹ ماده می‌باشد. بازداشتگاه مخصوص نگهداری متهمانی است که صدور قرار تأمین منتهی به بازداشت آن‌ها شده است و حداکثر مدت نگهداری متهمان تحت قرار در این بازداشتگاه سی‌روز می‌باشد و متهمانی که در این مدت آزاد نگردند، به بازداشتگاه عمومی منتقل می‌شوند. در هر بازداشتگاه شورایی تحت عنوان شورای تشخیص مرکب از قاضی ناظر، رییس بازداشتگاه، مسؤول بهداشت و درمان و مددکار اجتماعی تشکیل می‌شود. وظایف شورای تشخیص نظارت بر حسن اجرای آیین‌نامه، اعطای مرخصی پس از هماهنگی با قاضی صادرکننده قرار یا دادستان محل و رسیدگی

۲-۲- تدابیر و اقدامات تأمینی و تربیتی

در سیستم تقنینی ایران در سال ۱۳۳۹ قانون‌گذار، قانون اقدامات تأمینی و تربیتی را به صورت مستقل به تصویب رساند، اما پیش از آن در قانون سال ۱۳۰۴ از این اقدامات در ضمن مجازات نام برده بود، در قانون سال ۱۳۷۰ نیز علی‌رغم امکان اعمال مستقل این اقدامات در برخورد با جرایم که در ماده ۱ به آن اشاره شده، عملاً بیشتر به وضع مجازات پرداخته است، اگرچه موارد مذکور در مواد ۱۹، ۲۰ و ۴۹ این قانون حقیقتاً اقدامات تأمینی محسوب می‌شوند، اما این اقدامات را در ضمن مجازات و نه به صورت مستقل مجری دانسته و دقت نظر لازم را به خرج نداده است (خلیلی و علی‌اکبری، ۱۳۸۶: ۵۷).

اقدامات تأمینی در کنار مجازات مفید است و نه با حذف آن و باید در تعیین نوع، میزان و چگونگی اجرای آن (اقدام تأمینی) از رشته‌هایی از علوم انسانی و علوم جزایی بهره بگیرد. منطق و اصول علمی اقتضا می‌کند نظام دوگانه مبارزه به جرم همچنان حفظ و تقویت شود. بنابراین هم مجازات و هم اقدامات تأمینی در کنار هم برای مبارزه با جرم و مجرم لازم و ضروری می‌باشد و با مطالعه و بررسی همه‌جانبه در ابعاد علمی، از جمله جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی (جنایی و کیفری) و روان‌شناسی (جنایی و کیفری) به طریق مقتضی و مناسب باید به دقت زمینه اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی به عنوان یک تأسیس مستقل و بعضاً جانشین مجازات، همواره مورد استفاده قرار گیرد.

۲-۳- آزادی مشروط

در ایران، سابقه آزادی مشروط به قانون راجع به وادارنمودن محبوسین غیرسیاسی به کار مصوب سال ۱۳۱۶ مربوط می‌گردد. قانون‌گذار ایران نیز از نهاد آزادی مشروط برای اصلاح مجرمان بهره جسته است، اما به نظر، قانون‌گذار ایران بهتر می‌توانست از این راهکار بهره ببرد، مثلاً این که به محکوم این اطمینان خاطر را می‌داد که در صورت حسن اخلاق، قطعاً عمل او بی پاسخ نخواهد ماند، درحالی که متأسفانه هیچ الزامی در اعمال این تأسیس برای قضات قائل نشده و کاملاً آن را عملی اختیاری قلمداد نموده است و یا برخی معتقدند که حتی نداشتن سابقه محکومیت کیفری به حبس برای استفاده از این

صحنه عدالت کیفری، مجرمان از گردونه دستگاه قضا سریع‌تر بیرون می‌روند و احتمال الصاق برچسب مجرمانه به آن‌ها کاهش می‌یابد. تدابیر و اقدامات تأمینی و تربیتی، آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات تأسیسات متضمن اصلاح و درمان در قوانین جزایی می‌باشند که در این بخش از مقاله به توضیح آن اشاره خواهیم نمود.

۲-۱- نقش نهادهای ارفاقی در اصلاح و بازپروری مجرمین

مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به تخفیف مجازات‌های تعزیری اختصاص یافته است و در ماده ۳۸ قانون یادشده جهات تخفیف منحصر به هشت مورد مشخص شده است. قاضی مکلف است جهت تخفیف مجازات را در حکم خود ذکر کند، مثلاً جهت تخفیف، گذشت شاکی خصوصی یا خفیف بودن زبان وارده به بزه دیده است. به عبارتی با وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، حق برخورداری از تخفیف برای بزه‌کار ایجاد می‌شود و رویکرد حداقل‌گرایی در کیفر محقق می‌گردد. براساس ماده ۳۹ قانون مذکور در جرایم تعزیری درجه‌های هفت و هشت با بودن جهات تخفیف اگر اصلاح‌پذیری مجرم و نداشتن سابقه کیفری مؤثر مشخص شود. همچنین گذشت شاکی و جبران ضرر هم برقرار شود، معافیت از کیفر هم ایجاد می‌شود (بابایی، ۱۳۹۶: ۵۷).

قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ذیل هر نهاد پیش‌بینی شده، جهات اعمال آن را نیز ذکر نموده است، مثلاً شرایط اعمال تعویق صدور حکم که یک عقب‌نشینی کیفری محسوب می‌شود، عبارت است از وجود جهات تخفیف، اصلاح‌پذیر بودن مرتکب، قابل جبران بودن ضرر و زیان و نداشتن سابقه کیفری مؤثر، البته مقنن در قانون جدید برای ایجاد رویه مشابه‌تر در دادگاه‌ها، جلوگیری از سوءاستفاده و اعمال سلیقه‌های شخصی قضات به تبیین جهات اعمال حداقل‌گرایی پرداخته است و شرایط، نحوه و میزان تخفیف‌ها را بسیار شفاف ذکر نموده است. به عنوان مثال دیگر نمی‌توان حبس‌های سنگین را به مجازات دیگری تبدیل کرد (ماده ۳۷ ق.م، ۱۳۹۲).

مجازات جرم اولیه او به حال تعلیق درآمده است» (بابایی، ۱۳۹۶: ۵۷).

قانون‌گذار مواد شماره ۴۶ تا ۵۴ را در قانون مجازات اسلامی مصوب در سال ۱۳۹۲، مختص تعلیق اجرای مجازات قرار داده است. در جرایم تعزیری که درجه سه تا هشت هستند، براساس ماده ۴۶ همین قانون، دادگاه می‌تواند در صورتی که شرایط برای تعویق صدور حکم برقرار بود، اجرای حکم (یک بخش یا تمام آن) را به مدت یک تا پنج سال به صورت معلق درآورد. هدف از تعلیق در حکم ایجاد یک فرصت برای متهم می‌باشد که باوجود سوءپیشینه، برای مدت زمان مشخصی یک زندگی عادی در اجتماع داشته باشد.

همچنین قاضی یا دادستان اجرای حکم کیفری قادر است پس از انجام یک‌سوم از مجازات، از دادگاهی که حکم قطعی را صادر کرده است، تقاضای تعلیق مجازات داشته باشد. علاوه بر این محکوم نیز در صورتی که شرایط قانونی را دارا باشد، می‌تواند پس از تحمل نمودن یک‌سوم از مجازات کلی خود، از طریق قاضی یا دادستان اجرای حکم کیفری تقاضای تعلیق داشته باشد.

۲-۵- تعویق صدور حکم

نهاد تعویق صدور حکم یک نهاد جدید است که قبلاً سابقه تقنینی در نظام کیفری ایران نداشته است و مواد ۴۵-۴۰ ق.م.ا ۱۳۹۲ تنها مستند قانونی چنین نهادی در قوانین کیفری ایران می‌باشد. به موجب ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «اعمال تعویق فقط در جرایم موجب تعزیر ممکن است و آن هم جرایم تعزیری که از درجه ۸ تا ۹ باشد.» با این اوصاف دادگاه پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق، اوضاع و احوالی که جرم را مرتکب شده، در صورت وجود شرایط زیر، صدور حکم را از شش ماه تا دو سال به تعویق می‌اندازد. ۱- وجود جهات تخفیف؛ ۲- پیش‌بینی اصلاح مرتکب؛ ۳- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران؛ ۴- فقدان سابقه کیفری مؤثر. در تعویق ساده مرتکب کتب تعهد می‌نماید در مدت مقرر توسط دادگاه جرمی انجام ندهد و باید از نحوه و شیوه رفتار او بتوان فهمید که در آینده هم مرتکب جرم نخواهد شد. در این نوع تعویق قانون‌گذار برای

نهاد اساساً شرطی زاید است و در فرض فراهم‌بودن شرایط، تفاوتی میان بزه‌کاران بدوی و ثانوی نیست (اردبیلی، ۱۳۹۷: ۲۵۰).

طبق ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون قلمرو آزادی مشروط محدود به مجازات حبس تعزیری شده است. بنابراین مجازات حبس از باب حدود مشمول مقررات مربوط به اعطای آزادی مشروط نمی‌گردد. این نهاد برخلاف تعویق و تعلیق شامل همه درجات هشت‌گانه حبس‌های تعزیری می‌شود. همچنین در این ماده برای اعطای آزادی مشروط شرایطی بیان شده است که برخی از این شرایط به محکومیت و مدت زمان آن و بعضی دیگر به نحوه عملکرد زندانی بستگی دارد.

درخصوص شرط محکومیت همان‌طور که گفته شد، با توجه به صراحت ماده ۵۸ فقط محکومین به مجازات حبس تعزیری می‌توانند از این ارفاق قانونی استفاده کنند. در آزادی مشروط هم مانند تعویق و تعلیق، دادگاه می‌تواند شرایطی را معین کند که محکوم‌علیه در طول مدت آزادی مشروط آن‌ها را رعایت کند. ضمانت اجرای عدم رعایت این دستورات در ماده ۶۱ این قانون آمده است.

۲-۴- تعلیق اجرای مجازات

«قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در مقایسه با قانون سابق، نگاهی اصلاحی نسبت به مجرم و برخورد با او دارد و کلیات این قانون نیز در مقایسه با قانون قبلی، از لحاظ کمی و کیفی دارای پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای است و نوآوری‌هایی نیز در آن لحاظ شده که یکی از این نوآوری‌ها امکان تعلیق اجرای مجازات، ضمن تحمل حبس است. در گذشته تعلیق اجرای مجازات در زمان صدور حکم امکان‌پذیر بود، اما طبق قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، قاضی می‌تواند ضمن اجرای حبس، مشروط به شرایطی حکم به تعلیق مجازات را صادر کند، البته باید گفت که قانون‌گذار، جرایم امنیتی را قابل تعلیق ندانسته است. یکی از ویژگی‌های تعلیق اجرای مجازات، دورنگه‌داشتن مجرم از ارتکاب جرم جدید است، زیرا شرط اصلی و اساسی برای استفاده از مقررات تعلیق، مرتکب‌نشدن جرم جدید در مدت تعلیق از سوی فردی است که اجرای

دوران تعویق تدابیری در نظر نمی‌گیرد و فقط به تعهد کتبی مجرم بسنده می‌نماید، اما در تعویق مراقبتی مرتکب متعهد می‌شود دستورات و تدابیر تعیین شده توسط دادگاه را رعایت و اجرا نماید، در ماده ۴۴ قانون مذکور نیز شرایط لغو قرار تعویق توسط دادگاه اعلام شده است و نهایتاً ماده ۴۵ این قانون در مورد شرایط تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر پس از گذشت مدت تعویق می‌باشد.

۲-۶- مجازات‌های جایگزین

مطابق ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی: «مجازات‌های جایگزین حبس شامل دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که با توجه به نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف تعیین و اجرا می‌شود»، اما مجازات‌های جانشین حبس تنها راه حل مسأله و مشکل جمعیت زندانی نیست، زیرا در قانون جدید این راهکار ارائه شده در مواد مرتبط شامل همه زندانیان نمی‌شود و فقط بخشی از جمعیت زندان‌ها، یعنی محکومین واقعی به کیفر زندان را کاهش می‌دهد، حال آن‌که افراد مختلفی در زندان‌های کنونی ایران نگهداری می‌شوند.

مجازات‌های جایگزین حبس با فطرت و طبیعت انسانی هماهنگ‌تر بوده است و اگر با فرهنگ‌سازی مناسب از آن استفاده شود، حداقل‌گرایی در کیفر حبس به نحو احسن تجلی می‌یابد و جمعیت کیفری زندان‌ها نیز کاهش می‌یابد. اکنون انواع جایگزین‌های حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌شود.

۲-۷- تخفیف مجازات

تخفیف مجازات، از جمله نهادهای سنتی ناظر به کاهش مداخله کیفری است (ماده ۳۷ و ۳۸ ق.م.۱۳۹۲) که در جهت فردی کردن مجازات‌ها تحقق می‌یابد و قاضی باید بتواند در موارد مقتضی (به اقتضای وضعیت مجرم، اقتضائات جرم ارتكابی و سایر اوضاع و احوال در مجازات مرتکبین جرم تخفیف قائل شود، البته تخفیف در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مورد مجازات‌های تعزیری قابل قبول است و شامل مجازات‌های

حدود، قصاص و دیه نمی‌شود. این تخفیف طبق محتوای ماده یا به صورت تقلیل و یا به صورت تبدیل محقق می‌شود. در تقلیل در ماهیت مجازات تغییری ایجاد نمی‌شود. به عنوان مثال حبس یک درجه تقلیل پیدا می‌کند، اما در تبدیل مجازات، ماهیت کیفر تغییر می‌کند و به مجازاتی از نوع دیگر مبدل می‌شود، ضمناً تخفیف مجازات فقط در محدوده چهار بند ماده ۳۷ مقدور خواهد بود. همچنین حبس فقط مشمول عنوان تقلیل می‌شود، بنابراین تبدیل مجازات حبس به استناد این ماده و جاهد قانونی ندارد (بند «الف» ماده ۳۷ ق.م.۱۳۹۲)، البته این برداشت ناصواب از قانون باعث مشکلاتی می‌شود، از جمله در قتل‌های ناشی از حوادث رانندگی، حوادث پزشکی و

ماده اصلاحی ۳۷ قانون مجازات اسلامی بیان می‌کند: «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد، به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند: ۱- تقلیل مجازات حبس به میزان یک تا سه درجه در مجازات‌های درجه چهار و بالاتر؛ ۲- تقلیل مجازات حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه هفت حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه؛ ۳- تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار؛ ۴- تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال.»

در ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز جهات تخفیف بیان شده‌اند که قاضی باید جهت تخفیف را در حکم ذکر کند، مثلاً به دلیل عدم وجود سوء سابقه با اظهار ندامت مجرم. وقتی قانون‌گذار موارد هشت‌گانه‌ای را به عنوان جهات تخفیف بیان می‌کند احتمال این‌که یکی از این جهات درباره مجرم صدق کند، زیاد می‌شود. بنابراین در این ماده گشاده دستی مقنن در جهت تخفیف مجازات ملاحظه می‌شود. در ماده فوق‌الذکر جهات تخفیف مندرج، در اصطلاح حقوقی کیفیات مخفف قضایی با معاذیر قضایی تخفیف‌دهنده مجازات نامیده می‌شود. همچنین جهات تخفیف حصری است و دادگاه نمی‌تواند به جهات دیگری که در ماده ذکر نشده است، استناد کند.

۳- اصلاح و درمان از منظر سیاست جنایی اجرایی

سیاست جنایی ایران متضمن اصلاح و درمان به تأثیر از آموزه های غربی و قوانین بومی شده می باشد. در این بخش از رساله به تشریح سیاست اصلاح درمان از منظر سیاست جنایی در نظام حقوقی ایران اشاره خواهیم داشت.

۳-۱- بازپروری داخل نظام کیفری

برخی معتقدند که یکی از مهم ترین کارکرد مجازات ها اصلاح و درمان است. قدیمی ترین روش بازپرورانه ضمن مجازات حبس استفاده از روش عمومی و روش تدریجی تربیتی بوده است. در این روش به نتیجه مطلوب برای تربیت و اصلاح افراد سخت می باشد و معایب آن، برای اصلاح و تربیت سخت می باشد، نهایتاً برای رفع عیوب این زندان ها و برای تحقق زندان های اصلاحگر روش تدریجی جای روش عمومی را گرفت.

«یکی دیگر از روش های تربیتی در محیط زندان استفاده از روش منطبق با شخصیت زندانی است که در کشورهای پیشرفته روش اجرای مجازات را باتوجه به شخصیت محکوم اعمال می کند و در نتیجه اجرای مراحل مختلف، روش تدریجی ضروری به نظر نمی رسد. هدف اصلی از این روش عادت دادن زندانی به زندگی اجتماعی و عادی است. همچنین در روش اجرای، روش در محیط آزاد زندانی در محیط بستر زندان از تماس با اجتماع آزاد محروم به محیطی عادت می کند که دائم طرز کار و رفتار و اعمالش تحت کنترل و مراقبت است و برای تأمین نیازمندی های خود مسؤولیتی برعهده ندارد. هرچه مدت محکومیت زندانی بیشتر باشد، انس و الفت او به محیط زندان زیاده تر و زندگی او در محیط آزاد مشکل تر و خطر تکرار جرم بیشتر خواهد بود. از این رو محکومان که حالت خطرناک ندارند و با اعتماد به نفس مسؤولیت را می پذیرند، بایستی پس از تفکیک و طبقه بندی دقیق در مؤسسه های باز به کار گمارده شوند. یکی دیگر از روش های حبس توأم با کارکرد اصلاحی و تربیتی گذراندن حبس در خانه یا حبس خانگی می باشد» (ای آندرس، ۱۳۹۹: ۲۰۱).

۳-۲- بازپروری خارج نظام کیفری

بازپروری بزهکاران از طریق مراجع غیر کیفری باتوجه به انواع جرایم ارتكابی و شخصیت افراد و نوع جرم و ... متفاوت می باشد، این تدابیر به طور معمول در قالب اقدامات درمانی، اعم از دارویی، جراحی، روان درمانی، مشاوره، درمانگری اجتماعی و ... ارائه می شوند که به تناسب نوع و شخصیت افراد بزهکار می بایست از شیوه های مختص به خود استفاده نمود، استفاده از این روش ها ممکن است با حکم دادگاه باشد که در این صورت مصداقی از اقدامات تأمینی، تربیتی و درمانی خواهد بود و ممکن است با ارشاد و راهنمایی مأمورین انتظامی جمعیت ها و انجمن های خیریه و مددکار اجتماعی و فعالیت وزارتخانه های دولتی باشد که در این صورت اساساً ماهیتی مدنی و اجتماعی به روش های یاد شده می بخشد از این نمونه است آن چه امروزه توسط انجمن معتادان گمنام و انجمن الکلی های گمنام در بسیاری از کشورها و نیز کشور ما در خدمت به درمان معتادان انجام می گیرد (فرج الهی، ۱۳۹۰: ۱۷۱). انواع روش های بازپروری خارج از نظام کیفری به تناسب نوع و شخصیت بزهکاران متفاوت بوده و همان طور که بیان گردید، می بایست برای هریک از این افراد می بایست از شیوه خاص و مختص به خود استفاده نمود که برخی از موارد مهم و شایع در این گفتار مورد بحث و تفحص قرار خواهد گرفت، باتوجه به این که قوانین کیفری بسیاری از کشورها، از جمله قوانین و مقررات ایران حبس مدار می باشند در راستای حمایت از زندانیان آزاد شده، اداره ای تحت عنوان اداره مراقبت به طور مجزا تشکیل گردیده است، از جمله روش هایی که در این اداره در جهت اصلاح و بازپروری مجرمین دنبال می کند. «ایجاد زمینه لازم جهت کارآموزی، اشتغال، ازدواج، ادامه ی تحصیل، تأمین مسکن، اعطای تسهیلات وام بانکی و نظایر آن برای مددجویان، ارائه خدمات به مددجویان در امور آموزش، بهداشتی و درمان اجتماعی و حقوقی، فرهنگی، مذهبی و ...، نظارت بر رفتار مددجویان در مراحل اولیه آزادی و ارتقای سطح دانش و فرهنگ تربیت و اعتقادات مذهبی آنان را از طریق برقراری اردوهای مناسب و ... استفاده از پزشکان، مددکاران اجتماعی، مربیان اصلاح و تربیت و ... را برعهده این اداره گذاره است. نتیجتاً ملاحظه می شود که مراکز مراقبت پس از خروج زندانیان از زندان با رویکردی بالینی و حمایتی و مراقبتی مورد توجه

قرار گرفته‌اند تا برنامه‌های اصلاح و بازپروری آغاز شده در زندان برای رسیدن به نتیجه مطلوب که همانا بازپروری بزهکاران است، از طریق این اداره ادامه یابد» (بهمنی فخر، ۱۳۹۹: ۱۵۴-۱۳۳).

۳-۳- جایگزین‌سازی برای ورود به زندان

جایگزین‌سازی برای ورود به زندان به دو طریق انجام می‌شود:

۳-۳-۱- جایگزین‌سازی عام

منظور از جایگزین‌سازی، سازوکارهای مانع ورود به زندان یا عامل خروج از آن است. به‌صورتی که افزون بر جایگزین‌های حبس شامل دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی (موضوع ماده ۶۴ قانون ۱۳۹۲)، سایر کیفرزدهای نسل اول و نوین اثرگذار بر زندان‌روی و زندان‌مانی شامل آزادی مشروط، نظام نیمه‌آزادی و نظارت الکترونیکی نیز مورد توجه است (محمدنسل، ۱۳۸۴: ۱۵۳-۱۱۹).

بنابراین در الگوی جایگزین‌سازی در راستای منع ورود به زندان یا تسهیل خروج از آن، جایگزین‌های حبس موضوع ماده ۶۴ قانون ۱۳۹۲، نیمی از ساختار جایگزین‌ها را تشکیل می‌دهند و نیمی دیگر، متشکل از تدابیر سنتی و نوین است. بدین‌لحاظ می‌توان جایگزین‌سازی را در دو دسته خاص (نهادهای پنج‌گانه موضوع ماده ۶۴) و عام (همه حبس‌زدها) ساماندهی نمود.

باتوجه به دسته‌بندی جایگزین‌ها، می‌توان آن‌ها را در ساختار جایگزین‌سازی برای تعزیرزدایی با دو کارکرد مانع‌آفرینی برای ورود به زندان یا عامل خروج از آن چینی نمود، به‌صورتی که جایگزین‌های خاص (موضوع ماده ۶۴) شامل جریمه‌پردازی درآمدی یا نادرآمدی (جزای نقدی ثابت و روزانه)، خدمات‌گیری رایگان (خدمات عمومی رایگان)، محروم‌سازی اجتماعی (محرومیت از حقوق اجتماعی) و دستوردهی دوره‌ای (دوره مراقبت) کارکرد عدم ورود به زندان داشته و در زمان صدور حکم محکومیت و قبل از واردشدن محکوم به زندان، فعال شده و جایگزین آن می‌شوند. همچنین نظارت الکترونیکی موضوع ماده ۶۲ قانون یادشده، مانع ورود به زندان بوده و در بافت جایگزین برای ورود به زندان قرار می‌گیرد. با این توضیح

که در الگوی جایگزین‌سازی، مجازات‌های اجتماعی در اصل، مابه‌ازای جرم نبوده و قانون‌گذار در زمان کیفرگذاری برای هریک از جرایم یادشده، ارتکاب جرم را مستوجب آن مجازات‌ها تعیین ننموده است، بلکه در مقرره‌ای دیگر، برخی از جرایم را که حسب رکن قانونی‌شان، مستوجب حبس می‌باشد، مشمول مجازات جایگزین قرار می‌دهد.

البته باتوجه به این که طبق ماده ۶۹ قانون ۱۳۹۲ «مرتکبان جرایمی که نوع یا میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند»، می‌توان گفت در این قبیل از جرایم، جایگزین‌ها به‌عنوان مجازات اصلی تعیین می‌شوند و بر این اساس، استثنایی بر الگوی جایگزینی اند. سایر جایگزین‌های زندان شامل آزادی مشروط و نظام نیمه آزادی پس از ورود محکوم به زندان و در دوران تحمل کیفر باتوجه به مقررات یادشده اجرا شده و جایگزین آن می‌شوند.

کارکرد جایگزین‌سازی برای زندان در سیاست کیفری نوین ایران - آنچنان که در قاعده تدرج اصل تعزیرزدایی بیان شد - آن است که نهادهای مانع ورود به زندان، به‌طور عموم محدود به جرایم سبک می‌باشند. درواقع، سیاست کیفری در این زمینه، واردنشدن مرتکبان جرایم سبک به زندان می‌باشد. در مقابل، جایگزین‌های عامل خروج از زندان (شامل آزادی مشروط و نظام نیمه‌آزادی) جرایم تعزیری بیشتری را دربر گرفته و امکان رهاسازی محکوم بیشتر است. بنابراین آزادی مشروط و نظام نیمه‌آزادی دارای خصیصه ضدزندان‌مانی می‌باشند (ماده ۵۷ قانون ۱۳۹۲).

در سامانه جایگزین‌سازی برای زندان، تفکیک دیگری نیز از نظر کسب رضایت محکوم وجود دارد، به‌طوری که در نظام نیمه آزادی (ماده ۵۷)، نظارت الکترونیکی (ماده ۶۲) و خدمات عمومی رایگان (ماده ۸۴)، حکم به جایگزین‌سازی، منوط به «رضایت» محکوم است، ولی در سایر جایگزین‌سازها، چنین شرطی وجود ندارد. به‌نظر می‌رسد علت این شرط، تزامن موضوع کیفر با حریم خصوصی زندگی فرد و آزادی در انتخاب شغل (بند ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی) باشد. از جنبه‌ای دیگر و در تلفیق‌زدایش در نوع یا میزان کیفر و جایگزین‌سازی، می‌توان گفت جایگزین‌های خارج‌کننده محکوم از زندان، میزان تحمل

محکومیت به کفر را کاهش می‌دهند، ولی جایگزین‌های مانع ورود به زندان، نوع آن را تغییر می‌دهند.

۳-۳-۲- جایگزین‌سازی خاص

باتوجه به رهیافت‌های حاصل از الگوی تلفیقی جایگزین‌سازیهای نسل اول و نسل نوین (جایگزین‌سازی عام) و با در نظر داشتن قواعد تعزیردایی که در بسیاری از ویژگی‌های جایگزین‌سازیهای نوین (به معنای خاص موضوع ماده ۶۴) نیز مطرح است و باتوجه به سایر مبانی و مقررات حاکم بر جایگزین‌های نوین حبس می‌توان ویژگی‌هایی برای آن‌ها را در چهارچوب جایگزین‌سازی خاص ترسیم نمود.

خصیصه اصلی جایگزین‌های نوین حبس که از جمله مجازات‌های تعزیری می‌باشند، انعطاف‌پذیری آن‌ها باتوجه به ابعاد مختلف پرونده (جرم، بزه‌کار و بزه‌دیده) می‌باشد، به گونه‌ای که حسب درجه جرم تعزیری دارای کمینه و بیشینه بوده و قاضی با استفاده از این ویژگی، به متناسب‌سازی جایگزین می‌پردازد. اصل لزوم تناسب جایگزین حبس مورد تأکید قانون‌گذار قرار گرفته و معیارهایی برای آن ذکر نموده است، به صورتی که انعطاف‌پذیری جایگزین‌های نوین برای متناسب‌سازی آن در دو مرحله اولیه (تعیین) و ثانویه (اجرا) قابل تحلیل است. در مرحله اولیه، طبق ماده ۶۴ قانون ۱۳۹۲، این جایگزین‌ها باید «با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال» تعیین و اجرا شوند. اهمیت این موضوع آنچنان است که طبق تبصره ماده مذکور، دادگاه در ضمن حکم، باید به سختی و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح کند.

بنابراین قاضی در این مرحله، تناسب اولیه‌ای که حاصل مشاهدات خود از پرونده کیفری و شخصیت است، مد نظر قرار داده و نوع و میزان جایگزین را تعیین می‌کند، در نتیجه دادگاه نمی‌تواند به طور مثال، خدمات عمومی رایگان را برای مرتکب که سال مورد حکم قرار دهد یا این که در همین خصوص، فرد را به انجام کارهایی که مهارتی ندارد و ممکن است برای وی خطر آفرین باشد، محکوم کند یا این که شخصی را که در محل زندگی خود دارای جایگاه اجتماعی خاص (مثل معلم) است را

به انجام اموری که ممکن است جایگاه آن را تنزل بخشد (مانند پاک‌سازی معابر) محکوم نماید، بلکه می‌تواند از او در مدارس به عنوان معلم استفاده نماید.

با مقایسه ماده ۷۰ قانون ۱۳۹۲ با ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ می‌توان گفت ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک، ذیل ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را تخصیص زده است، بدین صورت که اگر محکوم به جزای نقدی، عاجز از پرداخت باشد، باید طبق ماده ۵۲۹ با آن رفتار کرد، یعنی حسب مبلغ جزای نقدی آن را به خدمات عمومی رایگان یا حبس محکوم کرد. این درحالی است که در ماده ۷۰ قانون مجازات، تفکیکی درخصوص مبلغ نداشته و هر نوع عجز از پرداخت جزای نقدی را به هر میزان، منجر به اجرای حبس اعلام نموده است، بدین ترتیب این تفسیر به نفع متهم و در راستای سیاست کیفرزدایی خواهد بود.

۳-۴- معافیت از مجازات و تعویق صدور حکم

منظور از نهادهای معاف‌ساز سنجشی، معافیت از مجازات (موضوع ماده ۳۹ قانون ۱۳۹۲) و تعویق صدور حکم (ماده ۴۰ قانون ۱۳۹۲) است که در تحلیل قواعد تعزیردایی، به اکثر ابعاد این دو نهاد اشاره شد. نهادهای نوظهوری که در دوره نوین کیفرزدایی با اقتباس از حقوق برخی کشورها، از جمله فرانسه، وارد نظام کیفردهی ایران شده‌اند. علت سنجشی یا آزمون مدار خواندن این نوع از نهادهای تعزیرزدا آن است که در هر دوی آن‌ها سنجش اصلاح‌پذیری، ملاک عمل است، یعنی باید برای قاضی احراز شود که فرد بدون محکومیت یا اجرانشدن مجازات نیز اصلاح می‌شود. با این تفاوت که در تعویق صدور حکم، قاضی به قطع و یقین برای اصلاح‌پذیری مرتکب نرسیده، فلذا او را برای مدتی از محکومیت رها کرده و به آزمون میزان پایداری او به دستورهای دادگاه یا هنجارهای اجتماعی می‌پردازد، درحالی که در معافیت از مجازات، بدون آزمون، او را باتوجه به بررسی‌ها و شَمّ قضایی خود که حاصل تجارب یا پرونده شخصیت مرتکب است، از مجازات معاف می‌کند (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۶: ۱۶۷).

بنابراین در سیاست کیفرزدایی نوین ایران، افزون بر عفو و بخشودگی کیفر (از کیفرزدهای نسل اول) در معافیت‌های نوین، اصلاح و آزمون مد نظر است. نتیجه این برداشت (پیش

بازپروری بزهکاران - به نظر می‌رسد - که امروزه به موضوع بسیار مهمی تبدیل شده است، زیرا در نظام کیفری ایران، به دلیل تعدد گونه‌های مجازات‌ها و پاسخ‌های کیفری، رویکردهای بازپرورانه نیز باید با آن‌ها هم‌سو شده و برنامه و تدابیر اتخاذی بازپذیرسازی، متناسب با نوع مجازات و شخصیت محکوم‌علیه، تعریف، تبیین و اجرا شود. توضیح این نکته ضروری است که مقام قضایی در حین تعیین نوع پاسخ کیفری، در مواردی که پرونده شخصیت تشکیل شده باشد، می‌تواند دو نکته را مورد نظر قرار دهد: اول آن که برای تعیین نوع مجازات باتوجه به این سازوکار اجرایی، مجازات متناسب و سازگار با شخصیت و موقعیت او را صادر نماید تا حتی‌الامکان موقعیت و جایگاه او کمتر مخدوش شود؛ دوم، رویکردی آینده نگر داشته تا به‌وسیله مجازات‌های متناسب تدابیر و برنامه‌های بازپروری وی مثمرتر واقع شده و هدف اصلاحی، درمانی کیفرها تحقق یابد و اما این انتقاد به قانون‌گذار و سیاست جنایی تقنینی ما وارد است که چرا در راستای سیاست‌های شخصی کردن مجازات‌ها، صدور دستور تشکیل پرونده شخصیت تنها برای یک سلسله جرایم و مرتکبان خاص پیش‌بینی شده است.

نتیجه‌گیری

با ملاحظه قوانین مجازات اسلامی و قوانین جزایی خاص، قانون‌گذار جرایم و تخلفات قضات را برشمرده و رویکرد سیاست جنایی تقنینی ایران را گاه کیفرگرا، ارعابی و سرکوبگر و گاهی در قالب اصلاح و تربیت مشاهده می‌شود. همچنین به لحاظ وجود عوامل مختلف در کل شاهد عدم تطابق سیاست جنایی تقنینی و قضایی در عمل هستیم. عدم تعریف جامع و مانع از جرم و تخلف در قوانین مذکور می‌تواند منجر به برداشت‌های شخصی و سلیقه‌ای قضات در دادگاه عالی انتظامی و دیگر دادگاه‌ها شده و در نتیجه عدم تطابق سیاست جنایی قضایی و تقنینی را در پی داشته باشد. به‌طور مثال مصادیق رفتار خلاف شأن قضایی یا خروج از بی‌طرفی قاضی به‌عنوان تخلف که گاهاً مجازات سنگینی نیز برای آن در نظر گرفته شده، خیلی وسیع‌التفسیر است و تعریف ذکرشده مصادیق متعددی را بنابر سلیقه و تشخیص افراد و عرف را دربر می‌گیرد. در مورد مدل سیاست جنایی تقنینی ایران می‌توان گفت به مدل اسلامی و اقتدارگرا شباهت بیشتری دارد و رویکرد غالب قانون‌گذار در

بینی) قاضی از اصلاح‌پذیری مرتکب آن است که اگرچه در هر دوی آن‌ها، مجرمیت فرد محرز می‌شود، ولی در معافیت بدون آزمون از کیفر، به‌جای حکم محکومیت، حکم معافیت از مجازات صادر می‌شود که با حکم برائت نیز متفاوت است، درحالی‌که در تعویق صدور حکم، قاضی او را با دو شیوه ساده و مراقبتی (ماده ۴۱) تحت اختیار و آزمون قرار می‌دهد و حسب نتایج حاصل از بررسی عملکرد مرتکب، فرد را به کیفر یا معافیت از آن محکوم می‌کند (ماده ۴۵)، لذا در تعویق صدور حکم، ممکن است فرایند اختیار کیفری منجر به معافیت از مجازات نشود. باوجود این اگر نتایج ارزیابی عملکردی مرتکب در طول دوره تعویق، مثبت و سازنده باشد، معافیت از کیفر، هدیه نظام عدالت کیفری به اوست، البته ظاهر ماده ۴۵ قانون ۱۳۹۲ چنان است که ممکن است تصور شود باوجود ارزیابی مثبت دادگاه از عملکرد فرد در سنجش پایبندی، باز هم دادگاه الزامی به صدور حکم به معافیت از کیفر ندارد؛ با این وجود به نظر می‌رسد، این برداشت با فلسفه تعویق صدور حکم منافات داشته و در صورت اعتقاد به عدم الزام دادگاه به معاف‌نمودن متهم از کیفر، کل فرایند تعویق امری بیهوده و لغو به حساب خواهد آمد. بنابراین باتوجه به عبارت «حسب مورد» در ماده یادشده باید گفت منظور قانون‌گذار آن است که اگر شخص در سنجش پایبندی موفق نباشد، منجر به تعیین کیفر و در صورت موفقیت، منجر به معافیت از کیفر خواهد شد.

۳-۵- تقویت امکانات افزایش بازپروری بزهکاران

امروزه دستگاه عدالت کیفری ایران در پرتو دستاوردهای دانش‌های گوناگون، مانند جرم‌شناسی، کیفرشناسی و ... و آموزه‌هایی که این دانش‌ها به ارمغان آورده‌اند، از رویکرد سنتی، کلاسیک و سزاگرایی پیشین به‌طور نسبی عدول کرده، به‌طوری‌که صرف اعمال کیفر و سزادادن محکوم‌علیه موضوعیت ندارد.

طبیعتاً اعمال کیفر بر مجرمان، از هر نوع و با هر ماهیتی، به سوی یک سلسله از اهداف رهنمون می‌شد و می‌شود. در گذشته باور جامعه بر این بود که اعمال کیفرها و مجازات‌های خشن، تند و سنگین به‌ویژه مجازات‌های بدنی، علاوه بر اعاده نظم و امنیت لطمه‌دیده به آن جامعه، باعث ارباب تابعان آن نظام‌ها و در نتیجه پیشگیری فردی و اجتماعی آنان گردد.

- بهمنی فخر، صابر (۱۳۹۹). «بازپروری اسلامی و عادلانه مجرمان (الزامی غیرقابل انکار)». فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی، ۲(۲): ۱۳۳-۱۵۴.

- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۴۰۱). رویکرد قرآن به اصلاح و تربیت مجرمان (الگوی قرآن‌درمانی مجرمان). مجله قرآن و علم، ۳(۳۰): ۱۰-۲۸.

- حاجی‌تبار فیروزجایی، حسن (۱۳۹۶). جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات فردوسی.

- خلیلی، مهدی و علی‌اکبری، حمیدرضا (۱۳۸۶). جرم زندان و مجازات‌های جایگزین. چاپ اول، تهران: انتشارات آمه.

- دارابی، شهرداد (۱۳۹۸). «حقوق پیشگیری از جرم از منظر سیاست جنایی». فصلنامه رهیافت پیشگیری، ۲(۴): ۵۷-۷۵.

- صادقی، آزاده (۱۳۹۹). «ارزیابی رویکرد بازپروری در کیفر گذاری جرایم اطفال و نوجوانان». نشریه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۱(۵۰): ۱۶۳-۱۷۹.

- صالحی، علیرضا؛ شیخ موحد، محمدعلی و شاکری، یاسر (۱۳۹۷). «سیاست‌های اصلاح و درمان فرهنگ‌محور در زندان های ایران». مجله رهیافت پیشگیری، ۳(۴): ۸۹-۱۰۷.

- صالحی، علیرضا؛ شیخ موحد، محمدعلی و شاکری، یاسر (۱۳۹۷). «سیاست‌های اصلاح و درمان فرهنگ‌محور در زندان‌های ایران». فصلنامه رهیافت پیشگیری، ۱(۴): ۸۹-۱۰۸.

- فرج‌اللهی، رضا (۱۳۹۰). جرم‌شناسی و مسئولیت کیفری. چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۴). «نظارت الکترونیکی بر بزهکاران». فصلنامه دانش/انتظامی، ۷(۱): ۱۱۹-۱۵۳.

- مهدوی ثابت، محمدعلی؛ مرادی، قاسم؛ حسنونند، محمد (۱۳۹۷). «درآمدی بر اصلاح و درمان بزهکاران». مجله تحقیقات جدید در علوم انسانی، ۸(۱): ۱۴۳-۱۵۱.

برخورد با جرایم قضات، سزاگرایانه و در مواجهه با تخلفات انتظامی ترکیبی از رویکردهای اصلاح و درمان، سزاگرایانه و ریسک‌مدارانه ملاحظه می‌شود.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: برابر.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۷). حقوق جزای عمومی. چاپ بیستم، جلد اول، تهران: نشر میزان.

- ای آندرس، دان (۱۳۹۹). پیش‌بینی و پیشگیری از تکرار جرم. ترجمه محمد هوشیار آدینه‌ساز، چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

- آشوری، محمد؛ اردبیلی، محمدعلی؛ مهدوی ثابت، محمدعلی؛ کونانی، سلمان (۱۳۹۷). شناخت و تعریفی مبتنی بر بینش جرم‌شناسانه از اصلاح و درمان محکومان زندانی. پژوهش‌های حقوقی - قضایی، ۲(۷): ۷-۵۲.

- بابائی، محمدعلی (۱۳۹۶). جرم‌شناسی بالینی. چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- بلارک، اصغر؛ غلامی، حسین و بابائی، محمدعلی (۱۳۹۷). «چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اصلاح و درمان». آموزه‌های حقوق کیفری، ۳(۱۶): ۷۱-۸۹.

- بلارک، اصغر؛ غلامی، حسین و علی‌بابایی، محمدعلی (۱۳۹۷). «اصلاح و درمان بزهکاران». نشریه آموزه‌های حقوق کیفری (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)، ۱۵(۱۶): ۷۱-۹۰.